



The Iranian Association of
Medical Law



The Bioethics and Health
Law Institute

Jurisprudential and Legal Analysis of the Criminal Liability of Overweight Patients with Regard to the Expediency Perspective

Fatemeh Al-Sadat Hashemi¹, Samira Golkhandan^{1*}, Mahmoud Qayyumzadeh²

1. Department of Law, Khomein Branch, Islamic Azad University, Khomein, Iran.

2. Department of Education and Law, Saveh Branch, Islamic Azad University, Saveh, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Body exhibitionism is a type of mental disorder in which the patient displays his or her private parts to the public and enjoys this act. This act is against custom and morality and harms social values.

Method: In this study, using a descriptive-analytical method, jurisprudential and legal perspectives on the subject of the research are expressed, and based on this, a proposal for amending the laws in this area is presented.

Ethical Considerations: In all stages of writing, the research principles were followed.

Results: There is a great deal of disagreement regarding the necessity of imposing punishment on these individuals and its quality. Some jurists believe in punishing these patients, while others consider them to be deserving of exemption from punishment. According to those in favor, these individuals have the power of discernment and the hadd should be imposed on them. Opponents believe that this act was involuntary and is included in cases exempt from criminal liability. The purpose of this study is to examine the jurisprudence and legality of the criminal liability of these patients, focusing on expediency issues.

Conclusion: The final conclusion is that, contrary to the views of Western law and the views of some Sunni scholars, the disease of nudity, despite being considered a type of mental illness, does not cause the deterioration of the power of discernment and, by deepening the spiritual gaps, causes the patient to enjoy this act. Therefore, the patient's failure to recognize the abomination of this act does not mean the deterioration of the power of discernment and the elements of the crime are conceivable for it, so punishment should be imposed on him. According to some Sunni jurists and also from the perspective of expediency, these individuals should be exiled so that society is safe from their psychological aggression, and if they commit such an act during exile, punishment will be imposed on them. However, confinement in a mental asylum is not advisable for these patients.

Keywords: Body Exposure; Criminal Liability; Expediency; Banishment Punishment; Islamic Jurisprudence

Corresponding Author: Samira Golkhandan; **Email:** s.golkhandan@gmail.com

Received: November 03, 2024; **Accepted:** February 27, 2025; **Published Online:** February 09, 2026

Please cite this article as:

Hashemi FA, Golkhandan S, Qayyumzadeh M. Jurisprudential and Legal Analysis of the Criminal Liability of Overweight Patients with Regard to the Expediency Perspective. Medical Law Journal. 2025; 19: e56.



تحليل فقهي و حقوقي بر مسئوليت كيفري بيماران با توجه به دیدگاه

فاطمه السادات هاشمی^۱، سمیرا گلخندان^{۱*}، محمود قیومزاده

۱. گروه حقوق، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران.

۲. گروه معارف و حقوق، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: بیماری بدن‌نمایی نوعی اختلال روانی محسوب می‌شود که فرد بیمار اعضای شخصی بدن خود را برای عموم به نمایش می‌گذارد و از این اقدام لذت می‌برد. این عمل برخلاف عرف و اخلاق بوده و به ارزش‌های اجتماعی زیان وارد می‌نماید.

روش: در این پژوهش با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی دیدگاه‌های فقهی مصلحت‌شناسی و همچنین حقوقی در خصوص موضوع پژوهش بیان شده و بر اساس آن، پیشنهاد اصلاح قوانین در این حوزه ارائه شده است.

ملاحظات اخلاقی: در تمامی مراحل نگارش، مطابق با اصول تحقیق عمل گردید.

یافته‌ها: در خصوص لزوم اعمال مجازات بر این افراد و کیفیت آن، اختلاف نظر فراوان وجود دارد. برخی از حقوقدانان معتقد به مجازات این بیماران می‌باشند و برخی دیگر این افراد را مستحق معافیت از مجازات می‌دانند. به عقیده موافقان، این افراد دارای قوه تمییز بوده و می‌بایست بر آنان حد اعمال گردد. مخالفان معتقدند که این عمل غیر ارادی بوده و در شمول موارد معافیت از مسئولیت کیفری قرار دارد. هدف این پژوهش بررسی فقهی و حقوقی مسئولیت کیفری این بیماران، با تمرکز بر مباحث مصلحت‌شناسانه می‌باشد.

نتیجه‌گیری: نتیجه نهایی اینکه برخلاف دیدگاه‌های حقوق غربی و همچنین دیدگاه برخی علمای اهل سنت، بیماری عورت‌نمایی با وجود تلقی شدن به عنوان نوعی بیماری روانی، موجب زوال قوه تمییز نشده و با عمیق‌نمودن خلأهای روحی، موجب لذت‌بردن فرد بیمار از این اقدام می‌گردد. بنابراین عدم تشخیص کراهت این عمل توسط بیمار به معنای زوال قوه تمییز نبوده و عناصر شاکله جرم برای آن متصور است، لذا می‌بایست بر وی مجازات اعمال گردد. حسب نظر برخی فقه‌های اهل سنت و همچنین نظر مصلحت‌شناسی، این افراد می‌بایست در تبعید به سر برده تا جامعه از تجاوز روانی آن‌ها در امان باشد و اگر در دوران تبعید چنین اقدامی انجام دهند، مجازات بر آن‌ها وارد است. با این حال حبس در آسایشگاه روانی برای این بیماران به صلاح نمی‌باشد.

واژگان کلیدی: بدن‌نمایی؛ مسئولیت کیفری؛ مصلحت‌شناسی؛ مجازات تبعید؛ فقه اسلامی

نویسنده مسئول: سمیرا گلخندان؛ پست الکترونیک: s.golkhandan@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۱۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۹؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۱/۲۰

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Hashemi FA, Golkhandan S, Qayyumzadeh M. Jurisprudential and Legal Analysis of the Criminal Liability of Overweight Patients with Regard to the Expediency Perspective. Medical Law Journal. 2025; 19: e56.

مقدمه

تاکنون بیش از بیست‌گونه بیماری روانی شناخته شده که قانونگذار در این خصوص حمایت‌هایی از بیماران ارائه داده است. یکی از اصول مهم حقوق کیفری، آن است که افراد دارای اختلال روانی، به صورت موقت یا دائمی، فاقد قوه تمیز بوده، لذا در ارتکاب اعمال غیر ارادی خود فاقد سوءنیت می‌باشند و به همین سبب اجرای مجازات بر آن‌ها ممکن نیست. با توجه به اینکه بحث اختلال‌های روانی بحثی تخصصی در علم پزشکی می‌باشد، نیاز است که منبع حقوقی خاصی در این زمینه تدوین گردد، چراکه تعمیم منابع عام حقوقی به این مسائل خطیر، با دشواری‌هایی برای نظام قضایی مواجه خواهد بود.

در اقدامی عجیب، گاه برخی از اشخاص، بدن خود را به طور کامل در معرض دید همگان قرار می‌دهند. بدیهی است که این عمل برخلاف شرع مقدس اسلام، اخلاق و نظام اجتماعی می‌باشد، لذا اصل بر این است که بر این افراد مجازات اعمال شود تا اهداف عالی حقوق کیفری در این خصوص تحقق یابد، اما مدافعان این بیماران ضمن استدلال به نوع بیماری که منجر به این عمل شنیع می‌شود، اظهار داشته‌اند که مرتکب به صورت غیر ارادی و در وضعیت فقدان قوه تمیز دست به این عمل زده و به استناد ماده ۱۴۹ قانون مجازات اسلامی، نمی‌توان بر این افراد مجازات اعمال نمود. بنابراین نیاز است که در خصوص مسئولیت کیفری این قبیل افراد بحث گردد. بنابراین محقق بر آن شد که ضمن شناخت این بیماری و تطبیق شرایط آن با اصول کلی مذاهب اسلامی و حقوق موضوعه، مسئولیت کیفری این افراد را تبیین نماید.

در برخی از موارد نیز نمایش بدن به صورت کامل نبوده، ولی باز هم خارج از عرف جامعه می‌باشد (مثلاً حضور در انتظار عمومی بدون شلوار و یا نمایش شکم). عرف جامعه چنین ایجاب می‌نماید که در اماکن عمومی، با تصور اینکه نامحرمان زیادی نظاره‌گر هستند، می‌بایست پوشش مناسب رعایت شود و هرگونه تخطی از این مورد، بدن‌نمایی نام داشته و فعلی حرام محسوب می‌گردد.

شکوری‌راد در سال ۱۳۹۹، در مقاله «کودک همسری از نظر قرآن» چاپ‌شده در مجله پژوهشنامه زنان، کودکان عورت‌نما را فاقد مسئولیت حقوقی دانسته است (۱). فرهمند و همکاران در سال ۱۳۹۹، در مقاله «واکاوی تجارب زناشویی کودک همسری: درهم‌آمیختگی عاطفی - فکری و بی‌قدرتی»، چاپ‌شده در مجله پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر بیان داشته‌اند که عورت‌نمایی اگر به دیگر جنبه‌های اختلال روانی متصل باشد، موجب رافعت از مسئولیت حقوقی خواهد شد (۲). سیاه‌بیدی کرمانشاهی و همکاران در سال ۱۳۹۹، در مقاله «تحلیل فقهی حقوقی کودک‌همسری در پرتو انتقادات وارد بر آن؛ تلاشی برای ارائه پیشنهاد مطلوب»، چاپ‌شده در مجله فرهنگی تربیتی زنان و خانواده بیان داشته‌اند که عدم اجرای کامل تبصره اول ماده ۲۰۲ آیین دادرسی کیفری موجب بروز خلأ قانونی در برخورد با مجرمین دارای اختلال روانی می‌باشد (۳). حاجیلو و همکاران در سال ۱۴۰۰ در مقاله با عنوان «علل زمینه‌ساز کودک همسری» مطالعه موردی زنان دارای تجربه زیسته مراجعه‌کننده به مراکز بهداشتی شهر تبریز، چاپ‌شده در مجله زن و جامعه (جامعه‌شناسی زنان) بیان داشته‌اند که مجازات تبعید در فقه امامیه، دارای جایگاه پررنگ‌تری به نسبت فقه اهل سنت است (۴). سعیدی و فروزانفر در سال ۱۴۰۲، در مقاله‌ای با عنوان «بازپژوهی ادله تعدد همسر از منظر فراجنسیتی»، چاپ‌شده در مجله فقه و حقوق خانواده، دیدگاه فقهای اهل سنت برای برخورد جدی با بیماران عورت‌نما را افراطی دانسته‌اند (۵). مهربان و همکاران در سال ۱۴۰۳ در مقاله «فقدان قوه تمیز و اراده به هنگام ارتکاب جرم و آثار آن؛ مطالعه تطبیقی مذاهب اسلامی»، چاپ‌شده در مجله فقه پزشکی اهمیت قوه تمیز و اراده را برای رفع مسئولیت کیفری برجسته‌سازی نموده‌اند (۶).

مرحوم بروجردی معتقد است که وجود اختلال روانی در لحظه وقوع جرم، به معنای رفع مسئولیت کیفری بوده و دلیل آن‌ها فقدان قصد و نیت مجرمانه می‌باشد (۷). با این حال متخصصین علم پزشکی، هر اختلال روانی را عامل زوال قوه تمیز نمی‌دانند (۸). در حال حاضر تنها کشوری که از دیدگاه تخصصی حقوق پزشکی چند بیماری روانی را مورد بررسی

قرار داده، کامن‌لای کانادا بوده (۹) و این مهم در دیگر کشورهای جهان دارای خلأ می‌باشد. گزارش موارد ارتکاب فعل عورت‌نمایی در کشور ما بسیار اندک بوده و در اکثر موارد، به استناد ماده ۱۴۹ قانون مجازات اسلامی، هیچ مجازاتی بر مرتکب اعمال نشده و تنها به حبس در آسایشگاه محکوم شده‌اند.

به هر حال مصلحت در برخورد با این بیماران نیز قابل بحث است. برخی معتقد به مجازات، برخی دیگر معتقد به تبعید و برخی دیگر معتقد بر عدم مجازات این قبیل افراد می‌باشند (۱۰).

انجام این تحقیق از این جهت دارای ضرورت است که علیرغم اختلاف نظرهای فقهی، رویه قضایی این مورد در کشور ما مشخص نیست. در حال حاضر، حتی در خصوص دیگر اقسام اختلال روانی نیز رویه قضایی مشخصی مشهود نبوده و این در حالی است که در برخی جرائم، تصمیم بین عدم مجازات و مجازات، موجب نادیده گرفتن اصول اولیه عدالت کیفری می‌گردد.

نظام حقوقی نوشته در کشور ما، در خصوص قضاوت‌های عرفی مسائل نانوشته، دارای چالش است. رفع مسئولیت کیفری از بیماری‌های روانی، هنوز هم به صورت سلیقه‌ای انجام می‌گیرد که در مواردی کثیر، اصول عدالت قضایی نادیده انگاشته می‌شود، لذا نیاز است که با تحقیقات علمی در حیطه این مسائل، پیشنهادهای تقنینی برای پربار شدن منابع حقوق نوشته ارائه گردد. یکی از این مسائل بی‌توجه‌مانده در نظام حقوقی کشور ما، بیماری بدن‌نمایی می‌باشد که در این پژوهش ابعاد فقهی و حقوقی آن مورد مطالعه قرار گرفته است. انجام تحقیق علمی حقوقی در خصوص بیماری بدن‌نمایی، فاقد پیشینه بوده و وجه نوآوری پژوهش کنونی محسوب می‌گردد. فرض بر این است که این بیماری موجب مخدوش شدن عناصر شاکله جرم نشده، لذا نمی‌تواند موجب رفع مسئولیت کیفری گردد. در این پژوهش، این مهم از دیدگاه فقه و حقوق اسلامی مورد مطالعه قرار گرفته است.

روش

در این پژوهش بر اساس روش استدلالی و توصیفی - تحلیلی با استفاده از شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی و نیز با مطالعه متون فقهی و مقایسه آن با دیدگاه‌های علمای حقوق و مد نظر قراردادن مواد قانونی و آرا به جمع‌آوری اطلاعات پرداخته و با توصیف و تجزیه و تحلیل آن‌ها به نتیجه‌گیری ابعاد مختلف موضوع پژوهش پرداخته شده است. روش پژوهش به صورت کتابخانه‌ای اسنادی و روش گردآوری اطلاعات با استفاده از کتب، مجلات و نوشتارهای سایت‌های حقوقی و جمع‌آوری و بررسی آن‌ها و ابزار جمع‌آوری اطلاعات از طریق فیش‌های مطالعاتی و کسب نظر اساتید دانشگاهی و عندالاقضای حوزوی و نیز مراجع دخیل در امور فقهی و حقوقی می‌باشد.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها

بیماری بدن‌نمایی به سبب کمبودهای روحی و روانی ایجاد گردیده و به معنای فقدان قوه تمیز و زوال عقل نمی‌باشد، مگر آنکه وجود دیگر جنبه‌های اختلالات روانی در بیمار محرز گردد. اصل بر این است که بر این افراد مجازات اعمال گردد، اما با توجه به اهداف نظام عدالت کیفری، می‌بایست نوعی خاص از مجازات را به نحوی بر بیمار اعمال نمود که اولاً امید به بازپروری و اصلاح وی وجود داشته باشد؛ ثانیاً جنبه بازدارندگی از آن تقویت گردد. حسب نظرات فقه‌های اسلامی و حقوقدانان برجسته، زندان و حبس در آسایشگاه نمی‌تواند مجازات مناسبی برای این افراد باشد، لذا تبعید می‌تواند اهداف عدالت کیفری را در خصوص این بیماران محقق نماید.

بحث

۱. مفهوم‌شناسی بیماری عورت‌نمایی: عورت در لغت به معنای شرمگاه (۱۱)، آلت تناسلی (۱۲) و آنچه از آن شرم وجود دارد (۱۳)، آمده است. بیماری عورت‌نمایی نوعی خاص از اختلال

روانی است که ریشه آن کمبودهای روحی می‌باشد و فرد بیمار از تعجب دیگران نسبت به این عمل لذت برده و آن را نوعی توجه نسبت به خود می‌داند (۱۴).

معنی واژه بدن نیز بدهی می‌باشد. بنابراین بدن‌نمایی به معنا و مفهوم نمایش بدن به دیگران، به صورت نامتعارف است. در واقع اگر نشان دادن بخشی از بدن به دیگران، برخلاف عرف، شرع و قانون باشد، فعل بدن‌نمایی ارتکاب یافته است. ممکن است از بطن معنای بدن‌نمایی چنین برداشت گردد که نشان دادن هر قسمت از بدن، در حکم بدن‌نمایی است، اما می‌بایست شرط نامتعارف بودن قسمت نمایش داده شده، ذکر گردد.

با توجه به اینکه برخی منابع فقهی به وجود این عمل در زمان صدر اسلام اشاره داشته‌اند، و فقهای اسلامی این عمل را شدیداً مقبوح دانسته‌اند (۱۵)، می‌توان به صراحت بیان داشت که هرگونه بدن‌نمایی غیر مجاز به نامحرم، در حکم عمل عورت‌نمایی می‌باشد. بنابراین اگر یک زن بدون نشان دادن عورت، دیگر اجزای بدن خود را به نامحرم نشان دهد (نظیر شکم یا بازو) در حکم عمل عورت‌نمایی بوده، لذا تعریف مد نظر در این پژوهش بر این مبنا شکل می‌گیرد. اگر بدن‌نمایی در انتظار عمومی به نحوی باشد که در دیدگان نامحرم منع شده باشد، این عمل در حکم عورت‌نمایی است.

در خصوص آمار این نوع بیماری روانی اطلاعاتی در دسترس نمی‌باشد، اما عمدتاً در کشورهای با شهرهای ساحلی مشهود بوده است. در ایران گزارشی در این مورد یافت نشده و تنها دو پرونده حقوقی مرتبط وجود دارد (۱۶).

اشخاص مبتلا به این نوع بیماری، موجب آزار جنسی دیگران شده و به سلامت جامعه زیان می‌رسانند، ضمن اینکه خود مرتکب حرام شرعی شده‌اند.

۱-۱. بدن‌نمایی از دیدگاه روان‌شناسی: از دیدگاه علمی، این نوع بیماری به سبب کمبود محبت شدید ایجاد می‌گردد (۱۷). با توجه به روش تحقیق در علم روان‌شناسی، می‌توان بیان نمود که در اکثریت موارد، این عمل قبیح به واسطه کمبود محبت بوده، ولیکن در موارد نادر ناشناخته، دلایل دیگری برای آن وجود دارد.

این نوع بیماران از سلامت عقلی بهره‌مند بوده و به اراده و اختیار خود چنین عملی را انجام می‌دهند، اما مشکل در این است که قبح عمل را درک نکرده و به سبب توجهی که نسبت به خود ایجاد نموده‌اند، لذت می‌برند (۱۸). در برخی گزارش‌های علمی روان‌شناسی، این عمل به واسطه کمبودهای روحی انجام می‌شود (۱۹). در برخی گزارش‌ها، این عمل در اکثر اوقات به صورت ارادی انجام می‌گردد (۲۰). در تازه‌ترین یافته‌های علمی بیان شده که اگر صورت دیگر مشکل روحی در این افراد مشهود نباشد، قوه تمیز در حین ارتکاب وجود داشته است (۲۱). در منابع دیگر ذکر شده که مجازات بر این افراد اثر بازدارندگی دارد (۲۲). در نهایت اینکه بیماری عورت‌نمایی در دسته بیماری‌های منجر به زوال قوه تمیز قرار نمی‌گیرد (۲۳)، البته ممکن است بیماری مذکور با دیگر اقسام اختلالات روانی همراه باشد، با این حال فرض بر این است که در اوج سلامت عقلی، قبح این عمل متصور نگردد.

۲-۱. ماهیت حقوقی مجازات بر بیماران بدن‌نما: همانطور که بیان گردید، جایگاه مسئولیت کیفری در ادبیات حقوقی کشور عام می‌باشد. ماده ۲۰۲ آیین دادرسی کیفری صراحتاً بیان داشته که در هر مرحله از تحقیقات قضایی، اگر پزشکی قانونی فقدان قوه عقلی مجرم را تأیید نمود، می‌بایست قرار موقوفی تحقیق صادر گردد.

با این حال در غیاب آیین‌نامه تخصصی که با همکاری وزارتخانه‌های دادگستری و بهداشت تهیه شده (موضوع تبصره اول قانون مذکور)، این سؤال مطرح است که تکلیف مجرمین مبتلا به این نوع بیماری چیست؟ طبیعتاً بررسی انجام‌شده به صورت عام می‌باشد. در حال حاضر پزشکی قانونی اکثر پرونده‌های اینچنینی را به سبب فقدان قوه تمیز، فاقد مسئولیت کیفری تشخیص می‌دهد که به یک رویه مبدل گردیده است.

تاکنون هیچ یک از حقوقدانان کیفری، به طور مستقیم در خصوص این بیماری اظهار نظر ننموده‌اند. گلدوزیان بیان داشته که پزشکی قانونی در بررسی تخصصی علمی خود می‌بایست چهار عامل: ۱- قوه تمیز؛ ۲- قوه اراده؛ ۳- اختیار؛ ۴- سلامت عقلی را در لحظه وقوع جرم تشخیص داده و

گزارش آن را به مرجع قضایی ارسال دارد (۲۴). ناتری نیز بر لزوم وجود آیین‌نامه مکتوب برای تشخیص حقوقی هر بیماری روانی تأکید کرده است (۲۵). اگر به گفته این دو حقوقدان معروف توجه گردد، می‌توان در نهایت برای بیماری عورت‌نمایی و تکلیف آن، منیع حقوقی صریح و غیر قابل تعرضی تدوین نمود.

۱-۲-۱. جایگاه بیماران بدن‌نما در نظام حقوقی ایران: همانطور که بیان گردید، موارد معدودی از پرونده‌های عورت‌نمایی در داخل کشور وجود داشته که امکان ذکر جزئیات همه آن‌ها نیست و ذیل این قسمت تنها به متن دو مورد از آن‌ها اشاره می‌گردد.

در یک مورد عورت‌نمایی پسر ۲۲ ساله در شهرستان آبادان که در سال ۱۳۹۸ اتفاق افتاده است، پزشکی قانون زوال قوه تمیز وی را مورد تأیید قرار نداده و حد ارتکاب فعل حرام بر وی جاری گشته است (۲۶).

در موردی دیگر که در سال ۱۳۹۷ در سواحل شمالی اتفاق افتاده است، ضمن تأیید عدم سلامت عقلی توسط پزشکی قانونی، وی تبرئه و به نگهداری در آسایشگاه روانی محکوم شده است (۲۷).

هرچند که جزئیات علمی این پرونده در دسترس نیست، اما این سؤال مطرح است که بر مبنای چه شاخصی، در دو پرونده آرای متناقضی صادر شده است. چنین به ذهن خطور می‌نماید که احتمالاً در مورد دوم، بیمار به نوع دیگر از اختلال‌های روانی مبتلا بوده است.

در اکثر پرونده‌های مشابه، عمدتاً مانند پرونده دوم قرار موقوفه تحقیق صادر گشته و پزشکی قانونی فقدان درک قبح این عمل را دلیلی بر زوال قوه تمیز دانسته است (۲۸).

۲-۲-۱. جایگاه بیماران بدن‌نما در نظام‌های حقوقی غربی: کامن‌لای کانادا با وجود پیشگامی در بررسی حقوقی بیماری‌های روانی، تاکنون در این مورد رویه قضایی ملموسی اتخاذ ننموده است (۲۹). در کامن‌لای انگلستان، عورت‌نمایی نوعی بیماری روانی تلقی شده که برای مجرمین مبتلا به آن، ده جلسه مشاوره اجباری روان‌شناسی لحاظ می‌گردد (۳۰). در

ایالات متحده آمریکا، تنها حبس در آسایشگاه برای این بیماری اعمال می‌گردد (۳۱). در فرانسه این بیماران به حال خود رها شده و هیچ مجازاتی بر آن‌ها اعمال نمی‌گردد (۳۲). در اکثر نظام‌های حقوقی غربی، مانند رویه قضایی اتخاذشده در کشور ما، این بیماری عاملی برای رفع مسئولیت کیفری دانسته می‌شود (۳۲). با این حال در کشورهای عربی و اسلامی، نظیر عربستان، کویت و عراق، برای این‌گونه افراد مجازات اعمال می‌گردد (۳۱). در برخی دیگر از کشورهای شرقی نظیر سوریه و لبنان، در رویه معتدلانه، صرف عورت‌نمایی جرم دانسته نشده، اما عملی که توسط بیمار انجام می‌شود، همچون ضرب و شتم مخاطب، جرم تلقی می‌گردد که در ترکیه چنین رویه‌ای وجود دارد (۳۳).

۲. مصلحت‌شناسی برخورد با این نوع بیماران: در خصوص بیماران روانی‌ای که مرتکب جرم شده‌اند، نظر برخی فقها، از جمله مرحوم بروجردی و امام خمینی (ره)، به عدم اجرای مجازات و حبس در آسایشگاه روانی تا زمان افاقه می‌باشد (۲۹)، اما در خصوص عورت‌نمایی نظرات مختلفی بیان شده است که در ادامه بیان خواهد شد، اما لازم به ذکر است که بر اساس شواهد در دوران صدر اسلام این قبیل بیماری‌ها در جامعه تازه‌مسلمان وجود داشته است (۳۴-۳۶).

۲-۱. مذهب امامیه: در منابع قرن اخیر فقه امامیه، می‌توان مطالبی مرتبط با این بیماری یافت. منابع پیش از این دوران یا به این بیماری اشاره‌ای نکرده یا به صورت بسیار جزئی و غیر مستقیم نقل قول‌هایی را بیان داشته‌اند. دو فقه بزرگ معاصر مرحوم بروجردی و امام خمینی، اشارات مستقیمی در این خصوص بیان نموده‌اند. در جمع‌بندی نظر ایشان دو دسته‌بندی مشهود است: ۱- بیمارانی که به جز بدن‌نمایی، بیماری روانی دیگری ندارند؛ ۲- بیمارانی که علاوه بر بدن‌نمایی از دیگر بیماری‌های روانی رنج می‌برند.

۲-۱-۱. دیدگاه مرحوم بروجردی: مرحوم بروجردی را به جهت سیره فکری و عملی که تأثیرات قابل ملاحظه‌ای در کیان علم و عمل اسلامی داشته‌اند، به جهت خصوصیات علمی و اخلاقی که داشته‌اند، می‌توان حد فاصل علمای سنتی و

سبب اقدامات ناصحیح والدین در این دام افتاده‌اند را مستحق تبعید دانسته‌اند (۴۴).

در نتیجه آنچه بیان گردید، می‌توان گفت بیماری عورت‌نمایی به عنوان ارتکاب فعل حرام در انظار عمومی، اگر با جنون ادواری یا دائمی همراه نبوده باشد، علاوه بر مجازات تبعید به منطقه خلوت می‌باشد. چنانچه در ادامه خواهد آمد، ذکر چنین وضعیتی تصادفی نبوده و محققین نیز لزوم چنین رویه‌ای را تأیید نموده‌اند.

لازم به ذکر است که تعبیر مصلحت‌شناسی در این حوزه همان مقتضیات زمان و مکان تعزیرات است. در واقع فقها بر اساس «التعزیر بما یراه الحاکم»، به حاکم اجازه می‌دهند مطابق مصلحت و مقتضیات زمان و مکان به جرم‌انگاری یا جرم‌زدایی از عمل خاص بپردازد.

۱-۲-۳. دیدگاه فقهای معاصر: نوری همدانی عورت‌نمایی را در صورت تأیید پزشکی قانونی مبنی بر عدم زوال قوه تمیز، مستوجب مجازات دانسته‌اند (۴۵).

صافی گلپایگانی بر توجه به سبق بیماری‌های روانی عورت‌نما تأکید دارند (۴۶).

سبحانی بیان داشته‌اند که عورت‌نمایی تنها موجب حد است (۴۷).

علوی گرگانی به مسأله جرائم جانبی نیز اشاره داشته و عورت‌نمایی را دلیل بر عدم اجرای مجازات برای جرم ثانوی ندانسته‌اند (۴۸).

۲-۲. مذهب شافعی: در منابع مذهب شافعی، می‌توان برخی دیدگاه‌ها در خصوص مصلحت برخورد با عورت‌نما را یافت. برخلاف دیگر مذاهب اهل سنت، در منابع این مذهب، تبعید برای مقهورین جامعه، یعنی کسانی که به دلیل ارتکاب اعمال ناصحیح، مورد غضب جامعه قرار گرفته‌اند، توصیه شده است (۴۹). همچنین مجازات نفی بلد برای مجانینی که سلامت عقل آن‌ها مورد شک می‌باشد، توصیه گردیده است (۵۰) و بیان شده که اگر ریشه ارتکاب جرم، تربیت ناصحیح بوده باشد، تبعید به مدت مشخص بهترین نوع مجازات است (۵۱).

در تفسیر این نظریات می‌توان چنین بیان داشت که افرادی که به سبب کم‌توجهی به بیماری روحی دچار شده‌اند، در

فقهایی مانند حضرت امام (ره) دانست. تعبیر به علمای سنتی شاید تعبیر دقیقی نباشد، ولی تا حدودی بیانگر قالب فکری علمایی مانند علمای دوران قاجار و صفویه است که در راستای تحقق حکومت اسلامی و تلاش‌هایی از این قبیل، تأکیدات قابل ملاحظه‌ای نداشتند. در خصوص عورت‌نمایی چنین ذکر شده که در صورت تأیید دیگر جنبه‌های جنون، وی فاقد مسئولیت می‌باشد (۳۷). ایشان مصلحت مجازات این نوع بیماری را مستنبط از چند منبع فقهی، نفی بلد دانسته‌اند (۳۸).

ایشان به لزوم مجازات بیمارانی که فاقد اقسام دیگر اختلال روانی می‌باشند، تأکید نموده‌اند (۳۹). در منبعی دیگر بیان گردیده که نشانه زوال عقل تنها عورت‌نمایی نمی‌باشد (۴۰). در مجموع توصیه ایشان به شناخت قوه تمیز برای این نوع بیماری بوده و تحت هر حالت نفی بلد را به عنوان مجازات تکمیلی توصیه نموده‌اند (۴۱).

در نتیجه آنچه بیان گردید، می‌توان گفت عمل قبیح بدن‌نمایی به دو نوع تقسیم گردیده است: در نوع نخست، مرتکب به هیچ بیماری روانی دیگری مبتلا نیست؛ در نوع دوم، مرتکب از دیگر بیماری‌های روانی شناخته‌شده، رنج می‌برد. حسب جمع‌بندی نظر ایشان، می‌بایست برای نوع اول مجازات و برای نوع دوم معافیت در نظر گرفت.

۲-۱-۲. دیدگاه امام خمینی: در مورد دیدگاه امام خمینی (ره) در مورد مصلحت باید بیان نمود که مصلحت به معنای منفی می‌باشد که حتی به صورت غیر مستقیم، به عموم جامعه و مردم بازگشت نماید؛ به این ترتیب، نظر ایشان، مصلحتی را شامل می‌شود که شرط اصلی آن، حکم حکومتی است و امام و رهبر جامعه، لازم است که مطابق با آن‌ها، در مورد مسائل حکومتی تصمیم بگیرند و عبارت می‌باشد از تأسیسات ملی و همچنین حکومتی که همه افراد می‌توانند از آن‌ها بهره‌مند شوند (۴۲). با وجود عدم اشاره مستقیم به مسأله عورت‌نمایی، به صورت عام به ارتکاب فعل حرام اشاره داشته و بیان داشته‌اند که تنها مجانین دائمی و ادواری و همچنین صغار از این مسئولیت مبرا می‌باشند (۴۳). ایشان نیز به نوعی غیر مستقیم به مسأله نفی بلد اشاره داشته و مجرمینی که به

مدت اقامت در محل کم‌جمعیت، احتمال آسیب‌زایی کمتری داشته و در مدتی که کمتر توجهات به سمت وی جلب شده، بیشتر به تفکر واداشته می‌شود. در طول این مدت به افسردگی خفیف یا شدید دچار شده و پس از پایان دوران تبعید، حضور در محل زندگی سابق خود را بزرگ‌ترین نعمت می‌دانند، بدین‌صورت کمبود توجه آن‌ها به نحوی مناسب جبران می‌گردد و ضمن درمان افسردگی، به ارزش وجود خود نیز پی می‌برند. نکته قابل توجه اینکه فقهای شافعی و حضرت امام خمینی (ره) به صورت یکسان به قضیه نفی بلد این‌گونه بیماران توجه داشته‌اند.

۳-۲. مذهب مالکیه: در مذهب مالکی، تفکیک مذکور برای عورت‌نماها مشهود است (۵۲). به عقیده اکثر فقهای این مذهب، اگر در حین عورت‌نمایی جرم دیگر ارتکاب یافته باشد، مجازات لازم است (۵۳). در جایی دیگر بیان شده که اگر تنها گناه این بیماران عورت‌نمایی باشد، تنها می‌بایست به دارالمجانین سپرده شوند (۵۴). به عنوان مثال ذکر شده که زنی که همواره بدون لباس به بازار می‌رفت و موجب تحیر همگان می‌شد. وی به دارالمجانین برده شد (۵۵). تنها در یک منبع ذکر شده که اجرای مجازات بر عورت‌نمایی ساده لازم است (۳۲). این دیدگاه نسبتاً سهل‌انگارانه می‌باشد.

۴-۲. مذهب حنفیه: در مذهب حنفی، تنها حبس خانگی برای عورت‌نماها توصیه شده است (۵۶). با این حال تنها در صورت فقدان خانواده، حبس انفرادی تا زمان افافه توصیه گردیده است، چراکه در بعضی از منابع ذکر شده که بدن‌نماها در دارالمجانین این عمل قبیح را تکرار کرده و دیگر مجانبینی که سبقی در این خصوص نداشته‌اند، پس از آزادی مرتکب آن شدند (۵۲). بنابراین تنها مجازات در نظر گرفته‌شده در این مذهب برای عورت‌نماها، حبس خانگی و در صورت لزوم حبس انفرادی می‌باشد.

۵-۲. مذهب حنابله: در مذهب حنبلی، شدیداً توصیه شده که بر عورت‌نماها حد جاری شود (۳۳). با این حال در خصوص مجازات تکمیلی بحثی مشهود نیست (۲۴)، زیرا در منابع ذکر شده که پس از هر بار اعمال حد، عورت‌نما اصلاح شده است

(۲۵) و علاوه بر آن ذکر شده که همسر زنی که عورت‌نمایی می‌نماید حق کتک‌زدن وی را دارد (۴۰). نیز گفته شده عورت‌نمایی اگر با ارتکاب جرم دیگری همراه بوده باشد، مجازات همان جرم نیز بر وی اعمال می‌گردد (۴۱). همچنین توصیه‌شده از عورت‌نماها شدیداً دوری شود و تحریم گردند (۴۲). با این حال توصیه شده که در زمان حبس، محل آنان جدا از دیگر زندانیان باشد تا به رابطه جنسی ختم نگردد (۴۳). در منبع دیگری آمده که عورت‌نماها فاقد ارزش انسانی می‌باشند (۴۴) و علاوه بر آن بیان شده که فقدان اراده و اختیار برای عورت‌نماها متصور نیست (۴۵).

به نظر می‌رسد که حنابله دیدگاه سخت‌گیرانه‌تری در خصوص این نوع بیماران داشته و هرگونه تسامح در این خصوص را مردود می‌شمارند.

۳. بایسته‌های حقوقی: ضمن واکاوی نظرات علمی در خصوص عورت‌نمایی، تاکنون منبعی یافت نشده که عورت‌نمایی را مرتبط با زوال اراده، اختیار و قوه تمیز بداند. در واقع در بیماران عورت‌نما، سه قوه مذکور از سلامت کافی برخوردار است. با این حال ممکن است در پی زوال یکی از عناصر فوق به سبب اختلال روانی ثانوی، چنین عملی انجام شود. با این حال مجازات تکمیلی نیز مورد بحث است. در حال حاضر خود عمل عورت‌نمایی دلیلی بر فقدان قوه تمیز دانسته می‌شود، در حالی که به سبب نیاز به جلب توجه قبح این عمل کاهش یافته و قوه تمیز از سلامت کامل برخوردار است. در این زمینه می‌توان به نظام قضایی کشور انتقاد وارد نمود.

۳-۱. نظر جمهور فقهای مذاهب: بر اساس آنچه بیان گردید، فقهای مذاهب اسلامی معتقدند که عورت‌نمایی نوعی ارتکاب فعل حرام در انظار عمومی بوده و اصل بر اعمال مجازات بر مرتکب است. جدا از این مسائل، برخی فقهای اسلامی و در رأس آن‌ها فقهای شافعی، مابین دو نوع عورت‌نمایی تفکیک قائل شده‌اند. این تفکیک با آخرین یافته‌های روان‌شناسی در تطابق کامل می‌باشد (۵۲). اکثر فقهای اسلامی به جزء برخی فقهای حنفی، بر لزوم مجازات عورت‌نماها تأکید داشته‌اند که در تأیید یافته‌های روان‌شناسی است که بیان می‌دارد

عورت‌نمایی صرف به معنای عدم زوال قوه تمییز نمی‌باشد (۵۳).

با این حال برخی حقوقدانان و در رأس آن‌ها حقوقدانان غربی بر این عقیده‌اند که عورت‌نمایی نوعی بیماری روانی بوده و اعمال مجازات بر این بیماران ممکن نمی‌باشد (۵۴).

۲-۳. **موانع حقوقی:** بر اساس آنچه بیان گردید، این نوع اختلال روانی مستوجب مجازات نبوده و تنها الزام به درمان اعمال می‌گردد (۵۵). برخی حقوقدانان کشورمان نیز به سبب شناسایی این نوع بیماری به عنوان نوعی خاص از بیماری روانی، اعمال مجازات بر این افراد را ممکن نمی‌دانند (۶).

پزشکی قانونی معمولاً به سبب عدم درک قُبَح و کراهت این عمل، فقدان قوه تمییز برای این افراد را تأیید نموده - هرچند در موارد معدودی تأیید نمی‌نماید - و موجب رفع مسئولیت کیفری می‌گردد (۴۶).

۳-۳. **مسائل اجتماعی:** به نظر می‌رسد که بحث تبعید و نفی بلد که مورد تأکید برخی فقهای مذاهب اسلامی بوده، از برخی قواعد کلی اسلام اتخاذ شده و امروزه از نظر علمی نیز لزوم آن اثبات گردیده است.

امروزه اثبات شده که در بین مجانین، عورت‌نمایی یک بیماری مسری است، لذا نگهداری عورت‌نما در دارالمجانین به صلاح نبوده و این مهم در منابع فقهی اهل سنت نیز اشاره گردیده و امروزه نیز مورد تأیید روان‌شناسان واقع شده است (۴۷).

روان‌شناسان اثبات کرده‌اند که تنهایی محدود برای این بیماران و همچنین احتمال برخورد شدید ناظرین، می‌تواند موجب کاهش شدید لذت عورت‌نمایی گردد (۴۸). بنابراین تبعید و یا حبس انفرادی می‌تواند درمانی مناسب برای این افراد باشد. مسأله‌ای که در آثار حضرات آیات بروجردی و امام خمینی (ره) مشهود است و برخی فقهای اهل سنت نیز بدان توجه مفصل داشته‌اند.

۴. **تعمیم دیدگاه‌ها:** با توجه به مطالبی که بیان شد، وضعیت حقوقی اعمال عورت‌نماها از سه دیدگاه علمی، فقهی و حقوقی قابل بررسی است که ذیلاً بدان پرداخته خواهد شد:

۱-۴. **دیدگاه علمی:** همانطور که بیان گردید، حسب جدیدترین یافته‌های علمی، برای عورت‌نمایی دو حالت متصور است:

۱- شخص از نظر روحی نسبتاً سالم به سبب تلاش برای جلب توجه، قبح این عمل را شدیداً کاهش داده و در کمال سلامت عقلی، به این اقدام دست می‌زند؛

۲- شخص دارای اختلال روانی نسبتاً شدید، در لحظه زوال عقل، به چنین عملی دست می‌زند.

در هر دو حالت ممکن است جرم ثانوی انجام شود. به عنوان مثال شخصی که بدان‌ها می‌خندند توسط عورت‌نما مورد تهاجم قرار گیرند.

درمان این بیماران در مدت زمان محدود تنهایی ممکن است. حبس عمومی و حضور در آسایشگاه توصیه نمی‌شود. در حبس ممکن است عورت‌نمایی به تجاوز جنسی ختم شود. در آسایشگاه نیز ممکن است بیماری سرایت یابد.

۲-۴. **دیدگاه فقهی:** جمهور فقهای امامیه و اهل سنت به تفکیک عورت‌نماها معتقدند (۴۹).

نتیجه بحث اینکه اگر نوع دیگر اختلال روانی وجود نداشته باشد، شخص عورت‌نما دارای مسئولیت کامل کیفری است، ولی چنانچه اختلال روانی به دلیل دیگری وجود داشته باشد، از مجازات معاف است. با این حال نفی بلد و حبس انفرادی به عنوان مجازات توصیه شده است.

۳-۴. **دیدگاه‌های حقوقی:** از دیدگاه حقوقی به شرط زوال اراده، اختیار و قوه تمییز در جریان وقوع جرم، مجرم از مجازات معاف است. به سبب فقدان آیین‌نامه صریح پزشکی قانونی، نمی‌توان به درستی تشخیص داد که با چه ادله‌ای عورت‌نماها از مجازات معاف می‌گردند و در چه صورتی مجازات بر آن‌ها اعمال می‌گردد. با این حال حسب بررسی رویه قضایی چنین استنباط شده که پزشکی قانونی با این استنباط که فقدان درک قبح عورت‌نمایی به سبب زوال قوه تمییز بوده، معمولاً گزارش را به نحوی تنظیم نموده‌اند که در اکثر اوقات عورت‌نما از مجازات معاف شده و به هیچ‌وجه به تفکیک این بیماری توجهی نگردیده است.

در خصوص مجازات تکمیلی، در حال حاضر تنها امکان حبس در آسایشگاه برای این بیماران ممکن است و قوانین نوشته در کشور ما اختیار قضات در این خصوص را محدود نموده است. گزارش‌هایی نیز وجود دارد که این بیماری به دیگر بیماران بستری در آسایشگاه سرایت نموده است.

در نتیجه بر اساس آنچه بیان شد، اگر دیگر صور بیماری‌های روانی شناخته‌شده در خصوص فرد بدن‌نما به اثبات برسد، می‌توان مجازات تعزیری مرتبط را اعمال کرد، در غیر این صورت اعمال مجازات ممکن نبوده و می‌بایست تدابیر پیشگیرانه لازم به عمل آید.

با توجه به مطالب مذکور، نیاز است که آیین‌نامه تخصصی پزشکی قانونی در این خصوص هرچه سریع‌تر تنظیم گردد (موضوع تبصره اول ماده ۲۰۲ آیین دادرسی کیفری). در این آیین‌نامه به تفکیک دو نوع بیماری عورت‌نمایی توجه شده و تنها برای نوع اول که بیماری عورت‌نمایی صرف در غیاب دیگر اختلال‌های روانی می‌باشد، منع مجازات لحاظ گردد.

نیاز است که در آیین‌نامه مذکور به صراحت بیان داشته شود که صرف عورت‌نمایی به معنای فقدان قوه تمییز نمی‌باشد.

در نهایت به عنوان مجازات تکمیلی برای این اقدام، تبعید و حبس انفرادی را در نظر گرفت.

یافته‌های علمی نظر فقهای اسلامی را تأیید کرده که حبس عمومی و نگهداری در آسایشگاه روانی این بیماران دارای آسیب‌های اجتماعی می‌باشد.

نتیجه‌گیری

- ۱- فقهای امامیه معتقد به رعایت مصلحت در مجازات بیماران بدن‌نما می‌باشند؛
- ۲- فقهای شافعی معتقد به تبعید این بیماران می‌باشند؛
- ۳- به عقیده فقهای مالکی، اگر در حین بدن‌نمایی، جرم دیگر اتفاق نیفتد، بیمار می‌بایست به دارالمجانین سپرده شود، در غیر این صورت مجازات جرم ثانوی بر وی اعمال گردد؛
- ۴- به عقیده فقهای حنفی، حبس خانگی این افراد بهترین گزینه مجازات است؛

- ۵- به عقیده فقهای حنبلی، مجازات بر این افراد می‌بایست به طور کامل اعمال گردد؛
- ۶- از دیدگاه علمی، عناصر شاکله جرم در این بیماران مخدوش نمی‌گردد، مگر آنکه به دیگر اقسام بیماری‌های روحی و روانی مبتلا باشند؛
- ۷- از دیدگاه حقوقی، اعمال مجازات بر این بیماران، بلامانع است، لیکن حسب نظرات جرم‌شناسی، می‌بایست مجازات مناسب بر آن‌ها اعمال نمود؛
- ۸- در نهایت اینکه مصلحت بر این است که این بیماران این بیماران می‌بایست یا در حبس خانگی و یا در تبعید به سر برند.

پیشنهادهات: پیشنهاد می‌گردد که در راستای تحقق اجرای تبصره اول ماده ۲۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری، با همکاری وزارت‌خانه‌های بهداشت و دادگستری، آیین‌نامه شناخت بیماری‌های روانی به تفکیک اهم آن‌ها تهیه گردد و از جدیدترین یافته‌های علمی در شناخت وضعیت قوه تمییز، اراده و اختیار در لحظه ارتکاب جرم بهره گرفته شود. در خصوص بیماری بدن‌نمایی، با توجه به وجود سبق فقهی و همچنین مبنای علمی مرتبط، شرایط معافیت از مسئولیت کیفری محرز نبوده، ولیکن حسب نظریه‌های مصلحت‌شناسی، مجازات حبس خانگی و یا تبعید، بهترین گزینه تنبیهی و تأدیبی محسوب شده و نیاز است که این مهم به نحوی در منابع حقوق موضوعه تصریح یابد تا دادرس از اختیارات مکفی در صدور چنین احکامی بهره‌مند باشد.

مشارکت نویسندگان

فاطمه‌السادات هاشمی: نگارش اولیه، اصلاح نهایی مقاله.
سمیرا گلخندان: نظارت بر تمامی مراحل نگارش، اصلاح و تکمیل مسائل مرتبط.
محمود قیوم‌زاده: نگارش نهایی و تحلیل فقهی.
نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می نمایند که هیچ گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده اند.

بیانیه هوش مصنوعی

در نگارش مقاله، از هوش مصنوعی استفاده نشده است.

References

- Shakuri Rad S. A wife's child according to the Qur'an. *Women's Research Journal*. 2019; 11(3): 141-163. [Persian]
- Farhamand M, Danafar F, Pourabrahimabadi M. Analyzing the marital experiences of a married child. Emotional-intellectual entanglement and powerlessness. *Contemporary Sociological Researches*. 2019; 9(17): 115-145. [Persian]
- Siah Bedi Kermanshahi S, Bahrampuri R, Kohestani M. Jurisprudential analysis of child marriage in the light of criticisms on it An attempt to provide a favorable proposal. *Women and Family Educational Cultural Quarterly*. 2019; 15(52): 149-165. [Persian]
- Hajilo F, Aghaari Tawakkel Alipour Abdar F. The underlying causes of child marriage (a case study of women with lived experience referring to Tabriz health centers). *Scientific-Research Quarterly, Women and Society*. 2021; 12(48): 103-116. [Persian]
- Saidi D, Forozanfar A. Re-examining the evidence of polygamy from the perspective of transsexuality. *Jurisprudence and Family Law*. 2023; 28(78): 169-196. [Persian]
- Merban M, Ismaili M, Haji Tabar Firouzjaei H. Lack of discernment and will when committing a crime and its effects a Comparative Study of Islamic Religions. *Journal of Medical Jurisprudence*. 2024; 15(45): 1-16. [Persian]
- Ibn Qudama M. *Al-Mughani*. Cairo: Al-Azhar; 1991. p.58-59. [Arabic]
- Abd al-Sami S. *Javaher al-Aklil*. Damascus: Dar al-Kutb; 1985. p.25-30. [Arabic]
- Khanzadepour M, Karimi A. Legal analysis of the registration fee plan on dowries above 14 gold coins. *Jurisprudence and Family Law*. 2023; 17(1): 45-50. [Persian]
- Ahmad I. *Al-Musnad*. Baghdad: Salemiyah; 1995. P 26-27. [Arabic]
- Dehkhoda A. *Farhang-e Farsi*. Tehran: Amir Kabir Publications; 1971. p.47-50. [Persian]
- Moin M. *Farhang Farsi*. Tehran: Amir Kabir Publications; 1984. p.14-17. [Persian]
- Amid H. *Farhang-e Omid (Persian to Farsi)*. Tehran: Amir Kabir Publications; 1963. p.87-90. [Persian]
- Eftekhazadeh SZ. The lived experience of women in early marriage. *Research Journal of Social Work*. 2014; 2(3): 108-156. [Persian]
- Shute J. Book review: Irene Bruna Seu, *Passivity Generation: Human Rights and Everyday Morality*. London: SAGE Publications; 2016. p.66-67.
- Nakissa A. *Islamic Universities in Egypt and Indonesia as Tools of Liberal Governance: How States Use them to Canonize Reformed Versions of Islam*. *Oxford Journal of Law and Religion*. 2024; 12(3): 55-59.
- Vakil A, Askari P. *The third generation of human rights Solidarity rights*. Tehran: Mizan Publications; 2011. p.25-30. [Persian]
- Mousavi Khomeini SR. *Sahifah Imam*. (a 22-volume collection of statements, messages, interviews, edicts, Shariah permits and letters). Tehran: Imam Khomeini Editing and Publishing Institute; 2006. p.58-60. [Persian]
- Ibn Taymiyyah A. *Muharrar. Aman: Qiyas*; 1989. p.55-56. [Arabic]
- Ibn-Hammam A. *Fath al-Qadir*. Damascus: Dar al-Kutob; 1987. p.15-20. [Arabic]
- Sharanbilali H. *Maraqī al-Falah by Immad al-Fatah, Sharh Noor al-Idhah and the salvation of souls and the text of Noor al-Idah with my narrations*. Hashiya al-Tahtawi. Cairo: Al-Azhar, Sarkhsi; 2009. p.254-255. [Arabic]
- Hosseini Hamvi A. *Nazair*. Beirut. Dar ul-Kitab; 1980. p.471-475. [Arabic]
- Balkhi L. *Al-Fatawi*. Beirut: Dar al-Kutb; 1980. p.251-255. [Arabic]
- Ibn Najim Z. *Bahr al-Raiq*. Damascus: Salehin; 1992. p.351-355. [Arabic]
- Bhuti M. *Keshaf al-Qanaa*. Amman: Qiyas; 1641. p.141-143. [Arabic]
- Maithami F, Safari A. *Relations between human rights and international law*. Tehran: Mizan Publications; 2017. p.45-50. [Persian]
- Alavi Tabatabai H. *Memoirs of Ayatollah Boroujerdi's Life*. Tehran: Information Publication; 1962. p.24-26. [Persian]
- Ife J, Soldatić K, Briskman L. *Human rights and social work*. London: Cambridge University Press; 2022. p.58-60.
- Albayati F. *The Iraqi Manuscripts*. Cairo: Institutions and Challenges; 2024. p.48-49. [Arabic]
- Bessant J, Farthing R, Watts R. *The precarious generation: A political economy of young people*. New York, London: Routledge; 2017.

31. Davis H. Human Rights Law Directions. Oxford: Oxford University Press; 2021. p.59-60.
32. Donnelly J, Edquist-Whelan DJ. International human rights. New York: Routledge; 2020.
33. Mwambene L, Mwaodza O. Children's rights standards and child marriage in Malawi. London: FrrD Publications; 2017. p.78-80.
34. Qari M. Kajla Haqam Shariah. Beirut: Islamic Books; 1940. p.258-259. [Persian]
35. Ibn Rajab A. Fath al-Bari. Damascus: Dar al-Kutb; 1989. p.25-28. [Arabic]
36. Sherbini S. Sadeghieh. Damascus: Dar al-Qalam Sarkhsi; 1991. p.48-49. [Arabic]
37. Najdi O. Hidayah al-Raghib. Muscat: Salameh; 1686. p.147-148. [Arabic]
38. Shirmohammadi B, Shahidani S. Government in the political thoughts of Ayatollah Boroujerdi. History of Islam and Iran New Period. 2016; 32(1): 1-15. [Persian]
39. Abol-Hosseini R. Pioneers of Proximity: Ayatollah Boroujerdi: Ayat of Ikhlas. Andisheh-te Taqrib. 2005; 5(1): 99-118. [Persian]
40. Sarvari H, Jafarian R. Obstacles to modernism in the seminary of Qom during the leadership of Ayatollah Boroujerdi [1325-1340]. Historical Science Research. 2014; 11(1): 41-58. [Persian]
41. Shirmohammadi B, Shahidani S. The life of the great leader of the Shiite world, Ayatollah Boroujerdi. Tehran: Motahar Publishing House; 1993. p.87-90. [Persian]
42. Mousavi Khomeini SR. Tahrir al-Wasila. Tehran: Imam Khomeini (S) Editing and Publishing Institute; 2008. p.145-150. [Arabic]
43. Mousavi Khomeini SR. Province of Jurists. Tehran: Imam Khomeini Works Editing and Publishing Institute; 2002. p.187-190. [Persian]
44. Ibn Abd al-Rahman M. Commentary. Cairo: Al-Azhar; 1986. p.47-50. [Arabic]
45. Nouri Hamdani H. Risalah Takhsir al-Masail. Qom: Dar al-Qalam; 2013. p.114-118. [Persian]
46. Safi Golpayegani L. Risalah Takhsir al-Masal. Qom: Dar al-Qalam; 2014. p.47-50. [Persian]
47. Sobhani J. Risalah Taqir al-Masail. Qom: Dar al-Qalam; 2016. p.58-60. [Persian]
48. Alavi Gorgani S. Risalah Takhsir al-Masal. Qom: Dar al-Qalam; 2017. p.47-50. [Persian]
49. Nawi A. Al-Mahdez. Damascus: Dar al-Kutb; 1988. p.55-60. [Arabic]
50. Ansari A. Contents. Damascus: Dar ul-Kitab; 1987. p.169-170. [Arabic]
51. Abduh M. Tafsir Minar. Cairo: Al-Azhar; 1912. p.214-215. [Arabic]
52. Ibn Abedin M. Rad al-Mukhtar. Damascus: Salehin; 1992. p.471-475. [Arabic]
53. Mowaq Maliki M. Muhabeh. Cairo: Al-Azhar; 1987. p.254-255. [Arabic]
54. Dasuqi M. Sharh Kabir. Damascus: Dar ul-Kitab; 1993. p.254-255. [Arabic]
55. Nafrawi Azhari A. Fawake. Cairo: Salemiyah; 1993. p.541-545. [Arabic]
56. Al-Adavi A. The margin of sufficiency. Damascus: Dar al-Kitab; 1995. p.321-322. [Arabic]